

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا

نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

امامان این امت دوازده نفرند

علامه سید مرتضی عسکری

بسم الله الرحمن الرحيم

و ما ينطق عن الهوى O ان هو الا وحى يوحى

او = پیامبر هرگز به خواهش دل سخن نمی گوید.

سخنانش تنها از وحی الهی است . نجم / ۴۳

و لو تقول علينا بعض الاقاويل O لآخذنا منه باليمين O ثم لقطعنا منه الوتين O

و اگر چیزی را به دروغ به ما نسبت دهد. دست راستش را می گیریم . سپس رگ را قطع می کنیم . حاقه / ۴۴ - ۴۶

نص صریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر تعداد امامان علیهم السلام

حدیث عدد امامان

رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده است که ، امامانی که بعد از او می آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحیح و مسند که نامشان در زیر می آید، از آن حضرت روایت کرده اند:

الف : مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کند که گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: این دین همیشه ، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و بر پاست . این خلفا همگی از قریش اند.

در روایت دیگری آمده است : همیشه کار مردم روبراه است...

در دو روایت دیگر آمده است : تا آنکه دوازده خلیفه بیایند...

در سنن ابوداود آمده است : تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند.

در حدیث دیگری است که فرمودند: تا پایان دوازده نفر. (۱)

و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: دوازده نفر امیر و فرمانده اند. راوی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن سخنانی فرمود: که من نفهمیدم ، پدرم گفت : فرمود: همگی آنان از قریش اند.

در روایت دیگری می گوید: سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم : رسول خدا صلی الله علیه و آله چه فرمود؟ پدرم گفت : فرمود: همگی آنان از قریش اند. (۲)

در روایت دیگری است که فرمود: دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زیانی به ایشان نمی رساند. (۳)

ب - در روایت دیگری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تزال هذه الامه مستقيما امرها، ظاهره علی عدوها ، حتی یمضی منهم اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش ، ثم یكون او الهرج

کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده نفر خلیفه ، همگی از قریش ، در گذرند. پس از آن فساد و خرابی یا فتنه و آشوب خواهد بود. (۴)

ج - در روایت دیگری آمده است که فرمود:

این امت دوازده نفر قیم دارد که هر کس آنان را یاری نکند، زیانی به ایشان نرساند، همگی آنان از قریش اند. (۵)

د - در روایت دیگری فرمود:

کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان است. (۶)

ه - از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:

این تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد؛ و چون از دنیا بروند، زمین، اهل خود را فرو می برد. (۷)

و - در روایت دیگری فرمود:

کار این است، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است. آنان همگی از قریش اند. (۸)

ز - احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت: شبی نزد عبدالله مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما آموخت که مردی پرسید: ای ابا عبدالرحمان! آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله گفت: از هنگامی که به عراق آمده ام هیچ کس پیش از تو، چنین سوالی از من نکرده است. بعد گفت: ما این موضوع را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم و آن حضرت فرمود: آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل (۹)

ح - در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خلفا بعد از من به تعداد اصحاب موسی هستند. (۱۰)

ابن اثیر گوید: همانند این از عبدالله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است. (۱۱)

مؤلف گوید: نمی دانم مقصود این کثیر از روایت ابن عباس، همان است که حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده یا غیر آن است.

روایات گذشته صریحا می گوید: عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش اند. و امام علی - علیه السلام - در سخن خود مقصود از قریش در این روایات را بیان کرده و می فرماید:

همه امامان از قریش اند و در این تیره از هاشم = اهل البیت علیهم السلام جایگزین شده اند، ولایت برای غیر آنان روا نیست و والیان جز ایشان شایسته ولایت نباشند. (۱۲) و نیز فرمود:

اللهم بلی لا تخلوا الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بیناته...

خداوند! آری، زمین هرگز از قیام کننده به حق برای خدا خالی نخواهد شد، این امام قائم، یا پیروز است و نمایان و یا خائف است و پنهان، تا حجت های خدا و نشانه های روشن الهی نابود نگردد. (۱۳)

امامان دوازده در تورات

ابن کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل کتاب است موضوعی آمده که معنای آن چنین است:

خداوند متعال ابراهیم - علیه السلام - را به وجود اسماعیل بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتى بخشم و نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر را از بزرگان و فرزنانگان قرار دهم.

و گوید:

ابن تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان است که در حدیث جابر بن سمره آمده و مقرر گردیده تا در میان امت پراکنده باشند، و اینکه قیامت بر پا نگردد مگر آنکه موجود شده باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده اند، اشتباه کرده و پنداشته اند آنان همان کسانی اند که فرقه را فضا = شیعیان دوازده امامی به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان پیروی می کنند. (۱۴)

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در سفر پیدایش تورات امروزی، باب: ۱۷ شماره ۱۸ - ۲۰ اصل عبری چنین است ۰۰۰:

قی لیشماعیل بیرختی اوتو قی هفريتی اوتو قی هربیتی بمئود شنیم عسار نسیئیم یولید قی نتتیف لگوی گدول (۱۵)

ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جدا او را بهره مند و پربار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهیم کرد.

این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل - علیه السلام - است.

واژه شنیم عسار یعنی: دوازده نفر، که لفظ عسار در اعداد ترکیبی که معدود آن مذكر باشد، می آید (۱۶) و معدود در اینجا نسیئیم و مذكر است و با اضافه شدن یم در آخر آن معنای جمع می دهد. مفرد آن ناسی یعنی: امام و پیشوا و رئیس است. (۱۷)

و اما سخن خداوند به ابراهیم - علیه السلام - در همان بخش نیز، یعنی عبارت فی نتتیف لگوی گدول، واژه فی نتتیف مرکب است از فی که حرف عطف است، و ناتن که فعل است و به معنای: قرار می دهم، و یف که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل علیه السلام باز می گردد، یعنی: او را چنین قرار می دهم. (۱۸) و اما لفظ گوی به معنای امت و مردم است، (۱۹) و گدول به معنای کبیر و عظیم (۲۰) و تمام جمله یعنی: او را امت کبیر و بزرگی گردانم.

از مجموع این فقره روشن می گردد که مقصود از کثرت و برکت در نسل اسماعیل - علیه السلام - دقیقاً رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام می باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل - علیه السلام - هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم - علیه السلام - فرمود: از سرزمین نمرد خارج شده و به شام برو. آن حضرت نیز، همراه با همسرش ساره و لوط به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم - علیه السلام - را بسیار فزونی بخشید. ابراهیم گفت: خداوند! من با این مال بدون اولاد چه کنم؟ خدای متعال به او وحی کرد: من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند در آن زمان هاجر کنیزک ساره بود و او را به ابراهیم - علیه السلام - بخشید، هاجر از ابراهیم - علیه السلام - باردار شد و اسماعیل - علیه السلام - را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم علیه السلام در آن حال سال بود. (۲۱)

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم و در خواست او از خدای متعال ، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می فرماید: ابراهیم گفت:

ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلاه فاجعل افئده من الناس تهوی الیهم و ارزقهم من الثمرات
لعلهم یشکرون O

پروردگارا من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک ، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند. پروردگارا دلهای از
مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات روزی ده باشد که سپاس گویند

ابراهیم / ۳۷

این آیه کریمه تاکید می کند که ابراهیم - علیه السلام - برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در
کنار خانه خدا جای داد و از خدای متعال درخواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد،
خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد صلی الله علیه و آله و دوازده امام علیهم السلام قرار داده است.

امام باقر - علیه السلام - در این باره فرموده است:

نحن بقیه تلک العتره و کانت دعوه ابراهیم لنا

مائیم بقیه آن ذریه و عترت و دعای ابراهیم - علیه السلام - برای ما بود. (۲۲)

فشرده احادیث گذشته

خلاصه آنچه که گذشت و نتیجه آن این می شود که : تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی در پی هستند، و پس از دوازده امام ، عمر این دنیا پایان می گیرد.

در حدیث اول آمده بود:

این دین تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپا خواهد بود...

این حدیث ، مدت برپا بودن این دین را تعیین ، و آن را بر برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است .

در حدیث پنجم آمده بود:

این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست ، و هنگامی که درگذرند، زمین اهل خود را فرو می برد.

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر امامان دوازده گانه تأیید کرده و پایان عمر آنان را پایان دنیا می داند.

در حدیث هشتم نیز، عدد امامان - علیه السلام - را تنها دوازده نفر دانسته و فرموده:

خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند.

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز خلفای دوازده گانه ، خلیفه دیگری نخواهد بود.

الفاظ این روایات که با صراحت می گویند: عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپایی قیامت است دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی شود، بیان و تبیین می کند.

بنابراین ، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه ، بر خلاف عمر عادی انسانها، طولانی و خارق العاده باشد.

چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از ائمه اثنی عشر و اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان مقصود از امامان دوازده گانه که در این روایت آمده است ، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند.

ابن عربی شارح سنن ترمذی گوید:

ما امیران بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را که بر شمردیم دیدیم : ابوبکر، عمر، عثمان ، علی ، حسن ، معاویه ، یزید، معاویه بن یزید، مروان ، عبدالملک مروان ، ولید، سلیمان ، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک ، مروان بن محمد بن مروان ، سفاح و... هستند.

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را بر شمرده و گوید:

اگر از مجموع آنها دوازده نفر را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها سلیمان بن عبدالملک است ، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم ، تنها پنج نفر برای ما باقی می ماند: خلفای چهار گانه و عمر بن عبدالعزیز. بنابراین ، من معنایی برای این حدیث نمی یابم .
(۲۳)

قاضی عیاش در جواب این سخن که می گوید: بیش از این تعداد = دوازده نفر به ولایت رسیدند، گفته است:

این اعتراض نادرست است . زیرا، پیامبر فرموده است تنها دوازده نفر به ولایت می رسند. البته این تعداد به ولایت رسیده اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی کند. (۲۴)

سیوطی در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید:

مراد حدیث ، وجود دوازده نفر خلیفه در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگر چه پی در پی نباشند. (۲۵)

در فتح الباری گوید:

یقیناً از این تعداد = دوازده نفر خلفای چهارگانه در گذشته اند، و بقیه نیز، بناچار باید تا پیش از برپایی قیامت ، تکمیل گردد. (۲۶)

ابن جوزی گوید:

بنابراین ، آنجا که فرموده : سپس فتنه و آشوب خواهد بود، مراد فتنه های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می باشد. (۲۷)

سیوطی گوید: از این دوازده نفر خلفای چهارگانه و حسن و معاویه و عبدالله بن زبیر و عمر بن عبدالعزیز، این هشت نفر، روی کار آمده اند و احتمال اینکه مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز در میان امویان است - و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت خواهی اش ، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله از اهل البیت خواهد بود. (۲۸)

و نیز، گفته شده:

مراد حدیث آن است که ، آن دوازده نفر در دوران عزت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی ، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند. (۲۹)

بیهقی گوید: این تعداد = دوازده نفر تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن حکومت عباسیان غالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده اند از آنان شمرده اند. (۳۰)

و نیز گفته اند:

کسانی که امت بر آنان اجتماع کرده اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزید اختلاف کردند تا آنکه پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبدالملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهارگانه او: ولید و سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبدالملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد. (۳۱)

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

ابن حجر درباره این توجیه گوید: این بهترین توجیه است.

و ابن کثیر گوید:

راهی را که بیعتی پیموده و عده ای با وی موافقت کرده اند، یعنی اینکه، مراد حدیث خلفای پی در پی تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق می باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن گفتیم، راهی غیر مقبول است. زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان این ولید، بیش از دوازده نفرند، دلیل آن این است که: خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی مسلم است... پس از آنان حسن بن علی است چنانکه واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند... تا آنکه او و معاویه صلح کردند.

سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویه بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک، سپس سلیمان بن عبدالملک، و بعد عمر بن عبدالعزيز و پس از وی یزید بن عبدالملک و بعد هشام بن عبدالملک، که جمع آنها پانزده نفر می شود و سپس ولید بن یزید بن عبدالملک، و اگر حکومت ابن زبیر پیش از عبدالملک را نیز به حساب آوریم، می شوند شانزده نفر، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبدالعزيز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق القولند، و او را خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دوره ها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع دوازده نفر خارج می گردد.

و اگر بگوییم: من تنها کسانی را به حساب می آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازمه اش آن است که علی بن ابی طالب و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلیلش آن که مردم شام، همگی، از بیعت با او سر باز زدند.

و نیز گوید: برخی توجیه کنندگان، معاویه و پسرش یزید و نوه اش معاویه بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده اند، زیرا امت بر هیچ یک از آنها اجتماع نکرده اند.

بنابراین دیدگاه نیز، می گوئیم: در این مسلک خلفای سه گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عبدالملک و بعد ولید بن سلیمان و سپس عمر بن عبدالعزيز و بعد هشام به شمار آیند که جمعا ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید بن عبدالملک فاسق است که لازمه این دیدگاه

نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقا بر خلاف آنی است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده اند. (۳۲)

ابن جوزی در کتاب کشف المشکل در جواب از این توجیهاات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول - پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارد، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می گیریم که خبر از حکومتهای واقع شده پس از صحابه است. و چنان می نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت: لایزال الدین یعنی: ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت رسند، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول، بر می گردد. با این حساب، اولین خلیفه بنی امیه یزید بن معاویه و آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان سیزده نفر می باشد، و عثمان و معاویه و ابن اثیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه اند. و اگر مروان بن حکم را نیز - به دلیل اختلاف در صحابی بودن با مغلوبیتش در برابر عبدالله بن زبیر و اجتماع مردم بر عبدالله - از جمع مذکور خارج کنیم، عدد دوازده راست می آید. و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه های عظیم و خونریزیهای بسیار واقع شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملاً متغیر و دگرگون شد. (۳۳)

ابن حجر در فتح الباری این استدلال را مردود دانسته است.

دوم - ابن جوزی وجه دوم را از جزوه ای که ابوالحسین بن منادی درباره مهدی گرد آورده نقل کرده که گوید:

ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی ای باشد که در آخرالزمان خروج می کند. زیرا، من در کتاب دانیال دیده ام که: هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان سبط اکبر به حکومت می رسند، سپس پنج تن از نوادگان سبط اصغر، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می کند، بعد از او پسرش به حکومت می رسد و بدین ترتیب دوازده نفر حاکم می شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند. گوید: در روایت دیگری است ... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می رسند و چون فرد اخیر می میرد فساد عالم گیر می شود.

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید:

این روایت، یقیناً روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست! (۳۴)

گروه دیگری گویند:

ظن غالب آن است که آن حضرت علیه الصلاه و السلام، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه هایی که مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان دوازده امیر می کشاند. و اگر غیر این را اراده کرده بود می فرمود: دوازده امیرند که چنین می کنند و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود... (۳۵)

گفته اند: در قرن پنجم هجری تنها در اندلس واقعه ای رخ داد که شش نفر همگی خود را خلیفه می نامیدند، اضافه بر آنها، حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگر مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند. (۳۶)

ابن حجر درباره این توجیه گوید:

این سخن کسی است که به چیزی از طرق حدیث - جز آنچه که به نحو فشرده در بخاری آمده - آگاهی نداشته است. (۳۷) و نیز گوید: وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی تواند مراد حدیث باشد. (۳۸)

مؤلف گوید:

بدینگونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تخالف و تضاد بوده است. و این روایات را محدثان مکتب اهل البیت علیهم السلام در تالیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می رسد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند. و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده اند بسنده می کنیم.

اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف - امام جوینی (۳۹) از عبدالله بن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

انا سید النبیین و علی بن ابی طالب سید الوصیین، و ان اوصیائی بعدی اثنا عشر، اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم المهدی

من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا اوصیای پس از من دوازده نفرند، اولینشان علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی است.

ب - امام جوینی باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا خلفای من و اوصیایم و حجت های خدا بر مردم پس از من دوازده نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان و فرزندم خواهد بود. گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود:

علی بن ابی طالب گفته شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: آن مهدی است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است. قسم به آن که مرا بشارتگر و بیم دهنده بر حق فرستاده و اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگزارد و زمین از نور پروردگارش روشن گردد، و فرمانروائی اش مشرق و مغرب را فرا گیرد.

ج - جوینی باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون.

من و علی و حسن و حسین و به نفر از فرزندان حسین پاکیزگان و معصومانیم . (۴۰)

* * *

سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای امت اسلامی بدور داشته و بر آنها پرده پوشاند. و راستی را که بخش عظیم پیروان این مکتب در این راه ، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه هائی از آن را در بحث و بررسی از اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله که مخالف دیدگاهشان بود در معالم المدرستین آوردیم . و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم ، تنها روایاتی را می آوریم که به معرفی امامان دوازده گانه پرداخته است . روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آنها متواترا به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام اول:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، پدرش ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم.

کنیت آن حضرت : ابوالحسن و الحسین ، ابوتراب.

لقب آن حضرت : وصی ، امیرالمؤمنین.

تولد آن حضرت : در سال سی ام پس از عام الفیل در بیت الله الحرام (۴۱) کعبه ، به دنیا آمد.

وفات آن حضرت : در سال چهلیم هجری به دست عبدالرحمن بن ملجم - یکی از خوارج - به شهادت رسید و در بیرون کوفه ، نجف اشرف ، دفن گردید.

امام دوم:

حسن بن علی بن ابی طالب - علیهما السلام.

مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله.

کنیه آن حضرت : ابومحمد.

لقب آن حضرت : سبط اکبر، مجتبی.

ولادت آن حضرت : در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.

وفات آن حضرت : در بیست و پنجم ربیع الاول سال پنجاهم هجری به شهادت رسیده و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم:

حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام.

مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله.

کنیت : ابوعبدالله.

لقب : سبط، شهید کربلا.

ولادت : سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.

وفات : در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست یزیدیان به شهادت رسید. مزار آن حضرت نیز، هم

اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق است . (۴۲)

امام چهارم:

علی بن الحسین علیهما السلام.

مادرش غزاله یا شاه زنان.

کنیت : ابوالحسن.

لقب : زین العابدین، سجاد.

تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.

وفات : در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام حسن - علیه السلام - دفن گردید. (۴۳)

امام پنجم:

محمد بن علی علیهما السلام.

مادرش ام عبدالله دخت امام حسن بن علی علیهما السلام

کنیت : ابوجعفر.

لقب : باقر

ولادت : در سال ۵۷ هجری در مدینه.

وفات : در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار پدرش زین العابدین - علیه السلام - دفن گردید. (۴۴)

امام ششم:

جعفر بن محمد علیهما السلام.

مادرش ام فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت : ابوعبدالله.

لقب : صادق.

ولادت : در سال ۷۳ هجری در مدینه.

وفات : در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام باقر - علیه السلام - دفن گردید. (۴۵)

امام هفتم:

موسی بن جعفر علیهما السلام.

مادرش حمیده.

کنیت : ابوالحسن.

لقب : کاظم

ولادت : در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

وفات : در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به شهادت رسید و در قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزین ،

معروف به شهر کاظمیه دفن گردید. (۴۶)

امام هشتم:

علی بن موسی علیهما السلام.

مادر: خیزران.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسیده و در طوس خراسان = مشهد مدفون است. (۴۷)

امام نهم:

محمد بن علی علیهما السلام

مادر سکینه.

کنیت: ابوعبدالله.

لقب: جواد.

ولادت: در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی بن جعفر علیهما السلام دفن گردید. (۴۸)

امام دهم:

علی بن محمد علیهما السلام.

مادر: سمانه مغریبه.

کنیت: ابوالحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال

وفات: در سال ۲۵۴ به شهادت رسید و در شهر سامرای عراق دفن گردید. (۴۹)

امام یازدهم:

حسن بن علی علیهما السلام.

مادر: ام ولد به نام سوسن.

کنیت: ابومحمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

وفات: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید. (۵۰)

امام دوازدهم:

حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه.

مادر: ام ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابوعبدالله، ابوالقاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف: مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

آن حضرت آخرین امام از ائمه دوازده گانه است که تاکنون زنده است و روزی می گیرد تا هر گاه خدا بخواهد - به فرمان خدا - قیام کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

تنبیه و توضیحی مهم !

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

...دوازده نفر خلیفه از آنان در می گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می گردد.

و در دیگری آمده بود:

این دین همواره - تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند - استوار و برپاست ، و هر گاه از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می برد.

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله ، عمر این عالم پایان می یابد. بنابراین ، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد، و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم ، مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله ، محمد بن الحسن العسکری - علیه السلام - به وقوع پیوسته است . زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق بوده و بر غیر ایشان راست نیاید.

والحمد لله رب العالمین

پی‌نوشت‌ها

۱- صحیح مسلم، جلد ۳ ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آنرو بر گزیدیم که جابر خود آن نوشته است. صحیح بخاری، جلد ۴ ص ۱۶۵، کتاب الاحکام. سنن ترمذی، باب: ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن. سنن ابوداود، جلد ۳ ص ۱۰۶، کتاب المهدی. مسند طیبالسی، حدیث ۷۶۷ و ۱۲۷۸. مسند احمد جلد ۵ ص ۸۶، ۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶ و ۲۷. حلیه الاولیاء و ابونعیم، جلد ۴ ص ۳۳۳.

جابر بن سمره بن عامری خواهرزاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده‌اند. شرح حال او در کتابهای اسدالغابه، تقریب التهذیب و جوامع السیره ص ۲۷۷ آمده است.

۲- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸. مستدرک الصحیحین، جلد ۳ ص ۶۱۷.

۳- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

۴- منتخب کنز العمال، جلد ۵ ص ۳۲۱. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹. تاریخ الخلفاء، سیوطی، (ص ۱۰). کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶. الصواعق المحرقة، ص ۲۸.

۵- کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷ و منتخب آن جلد ۵ ص ۳۱۲.

۶- شرح صحیح مسلم، نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۸. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰.

۷- کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.

۸- کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.

۹- مسند احمد، جلد ۱ ص ۳۹۸ و ۴۰۶. احمد شاکر در حاشیه اول = ۳۹۸ گوید: اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن جلد ۴ ص ۵۰۱. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. مجمع الزوائد، جلد ۵ ص ۱۹۰. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰. جامع الصیفر، سیوطی، جلد ۱ ص ۷۵. کنز العمال، متقی، جلد ۱۳ ص ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در فتن آورده‌اند. فیض القدیر، جلد ۲ ص ۴۵۸. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸ - ۲۵۰ در باب: ذکر الائمة الاثنی عشر الذین کلهم من قریش، از ابن مسعود.

۱۰- تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷. شواهد التنزیل حسکانی، جلد ۱ ص ۴۵۵ حدیث ۶۲۶.

۱۱- ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸.

۱۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲.

- ۱۳- ینابیع الموده ، شیخ سلیمان حنفی در باب صدم ، ص ۵۲۳. احیاء علوم الدین ، غزالی ، جلد ۱ ص ۴. حلیه الاولیاء، جلد ۱ ص ۸۰ فشرده.
- ۱۴- تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.
- ۱۵- عهد قدیم ، سفر التکرین ، باب ۱۷ شماره ۲۰، ص ۲۲ و ۲۳.
- ۱۶- المعجم الحديث ، عبری - عربی ، ص ۳۱۶.
- ۱۷- همان مصدر، ص ۳۶۰.
- ۱۸- همان مصدر، ص ۸۴ و ۳۱۷.
- ۱۹- المعجم الحديث ، عبری - عربی ، ص ۸۴ و ۳۱۷.
- ۲۰- همان مصدر.
- ۲۱- تاریخ یعقوبی ، جلد ۱ ص ۲۴ و ۲۵، نشر موسسه نشر فرهنگ اهل البیت علیهم السلام ، قم.
- ۲۲- آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده ، آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله التوحید نشریه سازمان تبلیغات اسلامی تهران ، شماره ۵۴ ص ۱۲۷ و ۱۲۸ نقل کردیم.
- ۲۳- شرح ابن عربی بر سنن ترمذی ، جلد ۹ ص ۶۸ و ۶۹.
- ۲۴- شرح نووی بر صحیح مسلم ، جلد ۱۲ ص ۲۰۱ و ۲۰۲. فتح الباری ، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. عبارت متن از اوست ، در ص ۳۴۱ نیز آنرا آورده است.
- ۲۵- تاریخ الخلفاء سیوطی ، ص ۱۲.
- ۲۶- فتح الباری ، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخفا، ص ۱۲.
- ۲۷- فتح الباری ، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخفا، ص ۱۲.
- ۲۸- الصواعق المحرقة ، ص ۱۹ و تاریخ الخلفاء، سیوطی ، ص ۱۲.
- بنابراین ، برای پیروان مکتب خلفا دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی - علیه السلام - است در حالی که پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام تنها یک امام منتظر دارند.
- ۲۹- نووی در شرح صحیح مسلم ، جلد ۱۲ ص ۲۰۲ و ۲۰۳ به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در فتح الباری جلد ۱۶ ص ۳۳۸ - ۳۴۱ و سیوطی در تاریخ الخلفاء ص ۱۰، آن را آورده اند.

۳۰- تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ به نقل از بیهقی.

۳۱- تاریخ الخلفاء، ص ۱۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱.

۳۲- تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۳۳- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۰ به نقل از ابن جوزی در کتاب کشف المشکل.

۳۴- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹.

۳۵- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

۳۶- شرح نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.

۳۷- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.

۳۸- فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.

۳۹- ذهبی، رجال معروف در کتاب تذکره الحفاظ ص ۱۵۰۵ درباره او گوید: امام محدث یگانه اکمل، فخر الاسلام، صدرالدین ابراهیم محمد بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری اجزای آن عنایت داشت. غازان شاه به دست او اسلام آورد.

۴۰- احادیث: الف، ب و ج در کتاب فرائد السمطين، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱، برگه ۱۶۰ آمده است.

۴۱- فاطمه بنت اسد امام علیه السلام، در حال بارداری مشغول طواف بود که درد زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی - علیه السلام - را به دنیا آورد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید: مستدرک، جلد ۳ ص ۴۸۳. تذکره خواص الامه، ص ۱۰ و مناقب ابن مغازلی، ص ۷.

۴۲- مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام، حوادث سال ۴۰ و ۵۰ و ۶۰ هجری در تاریخ طبری، ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز، به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، اسدالغابه، اصابه و طبقات ابن سعد - چاپ جدید.

۴۳- مراجعه کنید: تاریخ ابن اثیر، ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ هجری و نیز، به شرح حال امام علیه السلام در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیاء و فیات الاعیان و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۰۳ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۱۶۰.

۴۴- مراجعه کنید: تذکره الحفاظ، ذهبی. و فیات الاعیان، صفوه الصفوه، حلیه الاولیاء تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۲۰. تاریخ الاسلام، ذهبی، تاریخ ابن کثیر، حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۱۸، شرح حال امام باقر علیه السلام.

- ۴۵-مراجعه کنید: شرح حال امام صادق - علیه السلام - در حلیه الاولیاء، وفيات الاعیان، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۸۱ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۳۴۶.
- ۴۶-مراجعه کنید: شرح حال امام کاظم - علیه السلام - در: مقاتل الطالبیین، تاریخ بغداد، وفيات الاعیان، صفوه الصفوه، تاریخ ابن کثیر، جلد ۲ ص ۱۸ و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۱۴.
- ۴۷-مراجعه کنید: تاریخ طبری، ابن کثیر، تاریخ الاسلام ذهبی، وفيات الاعیان، حوادث سال ۲۰۳ هجری، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۵۳ و مسعودی، جلد ۳ ص ۴۴۱.
- ۴۸-مراجعه کنید: تاریخ بغداد: جلد ۳ ص ۵۴، وفيات الاعیان، شذرات الذهب، جلد ۲ ص ۴۸ و مسعودی، جلد ۳ ص ۴۶۴.
- ۴۹-مراجعه کنید: تاریخ بغداد، جلد ۱۲ ص ۵۶. وفيات الاعیان، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۸۴ و مسعودی، جلد ۴ ص ۸۴.
- ۵۰-مراجعه کنید: وفيات الاعیان، تذکره الخواص، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، شیخ کمال طلحه شافعی ت: ۶۵۴ ه و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۵۰۳.